

## مقایسه نیازهای روان‌شناسی، نظریه ذهن و مهارت‌های تنظیم هیجان در دانشجویان دختر دارای تجربه طلاق والدین با بدون تجربه طلاق والدین

### Comparison of psychological needs, mind theory and emotional regulation abilities between female students with parent's divorce experience and normal female students

Dr. Rahim Badri Gargari

Professor, Department of educational Science, Faculty of Educational Science and Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

Dr. Shahroz Nemati

Associate Professor, Department of Psychology and Excepional Children Education, Faculty of Education and Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

Roya Vahid sobh khiz\*

MA in Educational Psychology, Department of Educational Sciences and Psychology, Faculty of Education and Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran. [royavahid220@gmail.com](mailto:royavahid220@gmail.com)

دکتر رحیم بدیری گرگری

استاد روان-شناسی تربیتی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه علوم تربیتی و روان-شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

دکتر شهرورز نعمتی

دانشیار روان-شناسی و آموزش کودکان استثنایی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه علوم تربیتی و روان-شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

رویا وحید صبح خیز (نویسنده مسئول)

کارشناسی ارشد روان-شناسی تربیتی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه تبریز در سال ۱۴۰۱ بود که از تربیتی و روان-شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

### چکیده

The aim of the current research was to compare the psychological needs, mind theory, and emotion regulation abilities of female students with parental divorce experience and normal female students. The research method was causal-comparative. The statistical population of this research included female students of different faculties of the University of Tabriz in 1401, among whom 120 people were selected as a convenient sample. The sample was selected in such a way that 60 female students who experienced parental divorce were selected. Then, 60 female students who did not have the experience of parental divorce were selected according to their age, education, and marital status in an accessible manner. To collect the data, basic psychological needs questionnaire (BNSG-S) Deci & Ryan (2000), emotional regulation questionnaire (CERQ) Garnefski & Kraaij (2006) and mind reading questionnaire (RMET) Baron & Cohen (2001) were used. Multivariate analysis of variance and independent t-test showed that the dimension of independence, competence, and connection of psychological needs, mind theory, and adaptive emotion regulation strategies among female students with parental divorce experience is significantly lower than normal students. but The amount of non-compromised emotion regulation strategies among female students with parental divorce experience is significantly higher than among normal students ( $p \leq 0.05$ ). According to the findings, it is concluded that there is a difference between female students with and without parental divorce experience in terms of these three variables.

**Keywords:** Emotion regulation, Mind Theory, parental divorce, Psychological needs.

هدف از پژوهش حاضر، مقایسه نیازهای روان‌شناسی، نظریه ذهن و مهارت‌های تنظیم هیجان دانشجویان دختر دارای تجربه طلاق والدین و بدون تجربه طلاق والدین بود. طرح پژوهش از نوع علی- مقایسی‌ای بود. جامعه آماری شامل دانشجویان دختر دانشکده‌های مختلف دانشگاه تبریز در سال ۱۴۰۱ بود که از بین آنها ۱۲۰ نفر به عنوان نمونه در دسترس انتخاب شد. انتخاب نمونه به این ترتیب بود که ابتدا ۶۰ نفر از دانشجویان دختری که تجربه طلاق والدین را داشتند انتخاب شدند. سپس از سایر دانشجویان دختر که تجربه طلاق والدین را را نداشتند، ۶۰ نفر به صورت همتاواری از لحاظ سن، تحصیلات و وضعیت تأهل و به شیوه در دسترس انتخاب شدند. برای جمع آوری داده‌ها از پرسش‌نامه نیازهای اساسی روان‌شناسی (BNSG-S) (Deci & Ryan, 2000)، پرسش‌نامه تنظیم شناختی هیجان (CERQ) (Garnefski & Kraaij, 2006) و پرسش‌نامه ذهن خوانی (RMET) (Baron & Cohen, 2001) استفاده شد. تحلیل واریانس چندراهه و آرمون  $t$  مستقل نشان داد که میانگین نیازهای روان‌شناسی خودنمختاری، شایستگی و ارتباط، میانگین نظریه ذهن و میانگین راهبردهای سازش یافته تنظیم هیجان در بین دانشجویان دختر دارای تجربه طلاق والدین بطور معنی‌داری در سطح  $0.05$  کمتر از دانشجویان دختر بدون تجربه طلاق والدین بود. اما راهبردهای سازش یافته تنظیم هیجان دانشجویان دختر دارای تجربه طلاق والدین بطور معنی‌داری در سطح  $0.05$  بیشتر از دانشجویان دختر بدون تجربه طلاق والدین بود. با توجه به بافت‌ها نتیجه می‌شود که بین دانشجویان دختر دارای تجربه طلاق والدین از نظر این سه متغیر تفاوت وجود دارد.

**واژه‌های کلیدی:** تنظیم هیجان، نظریه ذهن، طلاق والدین، نیازهای روان‌شناسی.

## مقدمه

در سال‌های اخیر، زندگی خانواده‌ها بسیار پویا و پیچیده شده و مواردی مثل طلاق، جدایی و تک والدینی مورد توجه قرار گرفته است (هرست-دبی<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۲۳). خانواده کوچکترین واحد اجتماعی است که ثبات یا ناپایداری اش بر اعضای آن و جامعه اثر می‌گذارد. طلاق والدین یکی از استرس‌زاورین رویدادهای زندگی برای جوانان است و اغلب با مشکلات عاطفی و رفتاری طولانی مدت همراه است. با این حال، اطلاعات زیادی در مورد زمان ظهور این مشکلات در جوانان نسبت به لحظه طلاق والدین و اثرات طولی آن وجود ندارد (تالیوس<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۲).

پدیده طلاق یکی از پر استرس‌ترین رویدادهای زندگی به شمار می‌رود (کنی<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۲۳). این پدیده می‌تواند پیامدهای منفی و عوارضی را هم برای تمام اعضای خانواده و جامعه و هم برای فرزندان فراهم آورد (اوبونگ<sup>۴</sup>، ۲۰۱۸). طلاق بر فرزندانی که والدینشان از هم جدا شده‌اند از نظر روانشناختی تاثیر می‌گذارد و آن‌ها حتی ممکن است این مشکلات روانشناختی را به ازدواج خود نیز منتقل کنند (اوبونگ، ۲۰۱۸). طلاق می‌تواند ساختار خانواده در ناظارت و آموزش فرزندان را تغییر دهد زیرا منجر به افسردگی، اضطراب و استرس می‌شود و در نتیجه توانایی پدر و مادر خوب بودن را کاهش دهد (ایستینانی<sup>۵</sup>، ۲۰۲۳). فرزندانی که با والدین خود زندگی می‌کنند در مقایسه با فرزندانی که با یک والد زندگی می‌کنند، به طور متوسط مشکلات رفتاری کمتری دارند (استودارد بنت<sup>۶</sup>، ۲۰۲۳). فرزندانی که والدین‌شان طلاق گرفته‌اند و فرزندانی که با والدین خود زندگی می‌کنند از نظر بعضی از متغیرهای روانشناختی با یکدیگر تفاوت دارند (عبدالفتاح احمد و احمد السایس<sup>۷</sup>، ۲۰۲۳؛ بیاض اوزتورک<sup>۸</sup>، ۲۰۲۲؛ جاورایا<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۲۲؛ تالیوس و همکاران، ۲۰۲۲).

امروزه شاخص آمار طلاق بسیار قابل توجه است، به طوری که بر اساس آمارهای موجود اداره ثبت احوال تبریز، آمار ازدواج در سال ۱۳۹۵ در مقابل ۶۲۵ طلاق و در سال ۱۳۹۹، ۲۵۶۷ ازدواج و در مقابل ۹۱۷ طلاق می‌باشد که نشان‌دهنده این است که در تبریز طی پنج سال گذشته، آمار طلاق افزایش یافته است (سایت اداره کل ثبت احوال آذربایجان شرقی).

متغیرهای روانشناختی متفاوتی در ارتباط با پدیده طلاق مورد بررسی قرار گرفتند. متغیرهایی مانند نیازهای روانشناختی<sup>۱۰</sup>، نظریه ذهن<sup>۱۱</sup> و تنظیم هیجانی<sup>۱۲</sup> از این جمله‌اند. یکی از تفاوت‌های فرزندان عادی و فرزندان طلاق می‌تواند میزان نیازهای آن‌ها و میزان ارضی این نیازها باشد.

نیازهای بنیادین روانشناختی، به عنوان انگیزشی برای کمک به درگیری فعال با محیط، عملکرد سالم روانشناختی، پرورش مهارت و رشد سالم به وجود آمده و خود را نشان می‌دهند (تالی<sup>۱۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۲). این نیازها به صورت فطری در تمامی انسان‌ها وجود دارند و شامل نیاز به خدمتکاری<sup>۱۴</sup>، شایستگی<sup>۱۵</sup> و ارتباط<sup>۱۶</sup> است. در صورت ارضی این نیازها، زمینه بهزیستی، نشاط و سلامت روان افراد فراهم می‌شود (مارتلا و ریان<sup>۱۷</sup>، ۲۰۲۳).

بنظر می‌رسد شرایط اجتماعی، اقتصادی و فردی که طلاق برای فرزندان به وجود می‌آورد، آنان را در وضعیتی قرار می‌دهد که نمی‌توانند خود را در موقعیت فرد دیگر قرار داده و در نقش دیگری توصیف و تبیین درستی از رفتار دیگران داشته باشند. به همین دلیل می‌توان گفت که نظریه ذهن از جمله عواملی است که می‌تواند در فرزندان طلاق و عادی متفاوت باشد (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۵). به عبارت دیگر،

1 Herbst-Debby

2 Tullius

3 Connie

4 Ubong

5 Istiani

6 Stoddard-Bennett

7 Abdelfatah Ahmed Zewiel & Ahmed Elsayes

8 Bayaz-Öztürk

9 Juwariah

10 Psychological needs

11 Mind theory

12 Emotional regulation

13 Talley

14 autonomy

15 competence

16 Connection

17 Martela & Ryan

یکی از فرایندهای روانشناسی که می‌تواند تحت تاثیر طلاق قرار گیرد، نظریه ذهن در فرزندان است. نظریه ذهن جزء اصلی شناخت اجتماعی است. در روانشناسی شناختی، این اصطلاح به مجموعه فرآیندها و عملکردهای ذهن انسان اطلاق می‌شود که به فرد اجازه می‌دهد حالات ذهنی را به دیگران نسبت دهد. توانایی قرار دادن خود به جای دیگران یک مزیت تکاملی حیاتی برای انسان است، زیرا به او امکان می‌دهد با محیط خود تعامل بهتری داشته باشد و با همسالان خود به طور مؤثرتری همکاری کند (کازولین<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۲۰). بین دلبستگی به والدین و نمرات خواندن ذهن در چشم رابطه معنی‌داری وجود دارد. به عبارتی در کودکان یا جوانانی که فاقد یکی از والدین خود هستند ممکن است نظریه ذهن‌شان نسبت به همسالان نرمال خود کمتر رشد یابد (اوژتورک<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۰).

یک دیگر از متغیرهای روانشناسی که می‌تواند تحت تاثیر طلاق قرار گیرد، تنظیم هیجانی فرزندان است. تنظیم هیجان به توانایی فهم هیجانات، تعدیل تجربه‌های هیجانی و ابراز هیجانات اشاره دارد. توانایی تنظیم هیجان برای رشد و عملکرد سالم در بسیاری از حوزه‌ها اساسی است. بر عکس، اختلال در تنظیم هیجانی به عنوان یک عامل خطر برای بسیاری از اختلالات سلامت روان شناسایی شده است (پالی و هاجال<sup>۳</sup>، ۲۰۲۲). افراد در مواجه با رویدادهای استرس‌زای نزدگی خود همچون طلاق والدین از راهبردهای هیجانی خاصی بهره می‌برند که می‌تواند مثبت یا منفی باشد. شرایط موجود و تفاوت‌های فردی می‌تواند در نحوه انتخاب و بکارگیری این راهبردها متفاوت باشد (آری و شفر<sup>۴</sup>، ۲۰۱۶). به همین دلیل می‌توان چنین عنوان کرد که فرزندان طلاق که فرزندان طلاق و عادی می‌توانند در تنظیم هیجانی با یکدیگر متفاوت باشند. طلاق والدین بر موقوفیت، ثبات عاطفی، فروپاشی شخصیت، ناسازگاری اجتماعی و فقدان استقلال فرزندان اثر می‌گذارد (قره‌داغی و مبینی، ۱۳۹۹). همچنین طلاق عاطفی به خلا ارتباطی و عاطفی فرزندان، غوطه‌ور بودن خانواده در هیجان‌های منفی و آشتفتگی‌های روانی فرزندان منجر می‌شود. (جعفرزاده و همکاران، ۱۴۰۱).

افزایش تعداد فرزندان طلاق و به تبع آن بروز مشکلات روانشناسی، تحصیلی و رفتاری این گروه، نیازمند بررسی و شناسایی ویژگی‌هایی است که می‌تواند در این امر کمک کننده باشد. به عبارتی دیگر به منظور شناسایی و آگاهی از این تفاوت‌ها باید فرزندان خانواده‌های طلاق و عادی مورد بررسی قرار گیرند تا این تفاوت‌ها شناسایی گردد. نتایج حاصل از این تحقیق می‌تواند برای خانواده‌ها، مشاوران و معلمان موثر واقع شود و مراجع قانونی و متخصصان سلامت با آگاهی از این تفاوت‌ها می‌توانند در ارائه خدمات روانشناسی، از مشکلات سلامتی و رفتاری فرزندان طلاق پیشگیری نمایند شود. همچنین با آگاهی از تاثیرات طلاق بر فرزندان، می‌توان با پیگیری و درمان به موقع از تاثیرات نامطلوب این پدیده بر فرزندان جلوگیری نمود و با ارائه برنامه‌های توانمندی در جهت رشد و نمو این گروه اقداماتی انجام داد. با درنظر گرفتن شرایط خاص دانشجویان دختر در جامعه، موارد فوق الذکر در دانشجویان دختر پررنگ‌تر نیز می‌شود که این خصوص اهمیت بیشتر تحقیق حاضر را نشان می‌دهد. از طرفی، تحقیقات انجام شده اکثراً بر روی دانش‌آموزان و کودکان انجام شده است. ولی جامعه آماری این تحقیق شامل دانشجویان است که می‌تواند خلاً موجود در این زمینه را پر کند.

بطور کلی می‌توان گفت متغیرهای روانشناسی بسیاری وجود دارند که طلاق والدین می‌تواند بر کیفیت این متغیرها در نزدگی فرزندان تاثیر بگذارد؛ بنابراین با توجه به اهمیت آگاهی از تاثیرات طلاق بر فرزندان لازم است تا متغیرهای مختلف و جدید طی پژوهش‌های گوناگون شناسایی و بررسی گردد. بنابراین پژوهش حاضر با هدف مقایسه نیازهای روانشناسی، نظریه ذهن و مهارت‌های تنظیم هیجان در دانشجویان دختر دارای تجربه طلاق والدین با بدون تجربه طلاق والدین انجام شد.

## روش

این پژوهش از نوع توصیفی و علی- مقایسه‌ای بود. جامعه آماری شامل تمام دانشجویان دختر دانشکده‌های مختلف دانشگاه تبریز در سال ۱۴۰۱ بود. برای محاسبه حجم نمونه با توجه به این که حداقل حجم نمونه لازم در تحقیقات علی- مقایسه‌ای برای هر گروه نباید از ۳۰ نفر کمتر باشد (دلاور، ۱۳۹۰)؛ لذا حجم نمونه ۱۲۰ نفر انتخاب شد. از هر گروه ۶۰ نفر به شیوه غیرتصادفی و در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شد و پس از جلب نظر مساعد دانشجویان دختر جهت شرکت در این پژوهش نسبت به توزیع پرسش‌نامه‌ها اقدام شد. انتخاب نمونه به این ترتیب بود که ابتدا ۶۰ نفر از دانشجویان دختری که تجربه طلاق والدین را داشتند انتخاب شدند. سپس از سایر دانشجویان

<sup>1</sup> Cuzzolin

<sup>2</sup> Öztürk

<sup>3</sup> Paley & Hajal

<sup>4</sup> Are & Shaffer

مقایسه نیازهای روانشناختی، نظریه ذهن و مهارت‌های تنظیم هیجان در دانشجویان دختر دارای تجربه طلاق والدین با بدون تجربه طلاق والدین  
Comparison of psychological needs, mind theory and emotional regulation abilities between female students with parent's ...

دختر که تجربه طلاق والدین را نداشتند، ۶۰ نفر به صورت همتاسازی از لحاظ سن، تحصیلات و وضعیت تأهل و به شیوه در دسترس انتخاب شدند. ملاک‌های ورود در این پژوهش، موافقت دانشجویان برای شرکت در پژوهش، جنسیت دختر، دانشجویان دانشگاه تبریز و تحصیلات حداقل کارشناسی و حداکثر دکتری بود و ملاک‌های خروج از پژوهش عدم تمایل دانشجویان به ادامه همکاری و پرسشنامه‌های ناقص بود. برای رعایت اصول اخلاقی قبل از تکمیل پرسشنامه‌ها، اهداف پژوهش برای آزمودنی‌ها شرح داده شد و در رابطه با محترمانه ماندن اطلاعات حاصل از پژوهش به آزمودنی‌ها اطمینان خاطر داده شد. برای تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل واریانس (MANOVA) و آزمون  $t$  مستقل در نرم افزار SPSS نسخه ۱۸ استفاده شد.

#### ابزار سنجش

**مقیاس نیازهای اساسی روانشناختی (BNSG-S<sup>1</sup>):** این مقیاس براساس نظریه خودتعیین‌گری توسط ریان و دسی<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) ساخته شده است و ۲۱ سوال دارد که ۳ خردۀ مقیاس خودمختاری، شایستگی و ارتباط را در طیف لیکرت ۷ درجه‌ای می‌سنجد. نمره‌گذاری پرسشنامه از ۱ تا ۷ است. سوالات ۳، ۴، ۱۱، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. سوالات ۱، ۱۴، ۱۱، ۸، ۴، ۲، ۶، ۹، ۷ و ۲۰ مربوط به خردۀ مقیاس خودمختاری؛ سوالات ۳، ۵، ۱۰، ۱۳، ۱۵ و ۱۹ مربوط به خردۀ مقیاس شایستگی و سوالات ۱۲، ۱۶ و ۲۱ مربوط به خردۀ مقیاس ارتباط است (ریان و دسی، ۲۰۰۰). ضریب پایایی آلفای کرونباخ برای سه خردۀ مقیاس خودمختاری، شایستگی و ارتباط را به ترتیب ۰/۶۱، ۰/۷۱ و ۰/۸۶ و روایی سازه را از طریق همبستگی مقیاس نیازهای روانی با مقیاس سازگاری روانی، مطلوب گزارش کرده‌اند. در ایران نیز به منظور بررسی روایی سازه از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد که این سه عامل توانست ۵۳/۶۰ درصد واریانس کل را تبیین کند همچنین پایایی این پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ برای هر یک از سه خردۀ مقیاس خودمختاری، شایستگی و ارتباط به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۷۵ و ۰/۸۳ و محاسبه شد (بشارت و رنجبر، ۱۳۹۲). در پژوهش حاضر ضرایب آلفای کرونباخ برای نمره کل ۰/۷۹ و برای سه زیرمقیاس شایستگی ۰/۷۲، خودمختاری ۰/۷۴ و ارتباط ۰/۸۱ به دست آمده است.

**پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان (CERQ<sup>3</sup>):** این پرسشنامه توسط گارنفسکی و کرایج<sup>۴</sup> در سال ۲۰۰۶ ساخته شده است و ۱۸ سوال دارد که ۲ راهبرد شامل راهبردهای منفی تنظیم هیجان (۸ سوال) و راهبردهای مثبت تنظیم هیجان (۱۰ سوال) را می‌سنجد (گارنفسکی و کرایج، ۲۰۰۶). سوالات بر روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از هرگز تا همیشه پاسخ داده می‌شود و نمره‌گذاری سوالات به صورت لیکرت ۵ درجه‌ای از نمره ۱ (هرگز) تا نمره ۵ (همیشه) انجام می‌شود. سوالات ۳، ۴، ۹، ۸، ۷، ۱۱، ۱۰، ۱۳، ۱۲، ۱۵ و ۱۶ مربوط به راهبردهای مثبت تنظیم هیجان و سوالات ۱، ۵، ۶، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸ و ۱۹ مربوط به راهبردهای منفی تنظیم هیجان است. سازندگان، پایایی این پرسشنامه را با ضریب آلفای کرونباخ برای راهبردهای مثبت و منفی تنظیم هیجان، ۰/۷۸ و ۰/۸۴ گزارش کرده‌اند و روایی محتوایی با روش ضرایب توافق کنдал برای زیرمقیاس‌ها از ۰/۸۱ تا ۰/۸۲ و ۰/۸۴ محاسبه و گزارش شده است (گارنفسکی و کرایج، ۲۰۰۶). در ایران نیز بشارت (۱۳۹۵) پایایی راهبردهای آن را با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۰ و ۰/۸۶ گزارش کرده است و روایی محتوایی براساس ضریب توافق کنдал برای زیرمُؤلفه‌ها از ۰/۸۱ تا ۰/۹۲ به دست آمده است. در پژوهش حاضر، پایایی راهبردهای مثبت و منفی مقیاس توسط ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۳ و ۰/۷۶ به دست آمد.

**آزمون ذهن‌خوانی از طریق چشم‌ها (RMET<sup>5</sup>):** برای سنجش ذهن‌خوانی از آزمون تجدیدنظر شده ذهن‌خوانی از طریق چشم‌ها، که توسط بارون-کوهن<sup>۶</sup> و همکاران در سال ۲۰۰۱ طراحی شده، استفاده شد. فرم تجدیدنظر شده این آزمون شامل ۳۶ سؤال است، که شامل عکس‌هایی از چشم هنر پیشه‌های زن و مرد است. با هر سؤال چهار توصیف حالت ذهن (یک حالت هدف و سه حالت انحرافی با همان ارزش هیجانی) ارایه می‌شود. تنها با استفاده از اطلاعات بینایی از پاسخ دهنده‌گان خواسته می‌شود کلمه‌ای را که بهترین توصیف کننده فکر یا احساس صاحب چشم‌هاست انتخاب کنند. برای نمره‌گذاری به هر جواب صحیح، نمره‌ی یک تعلق می‌گیرد و نمرات بین دامنه ۰ (صفر) و ۳۶ قرار می‌گیرند. نمره‌ی کمتر از ۲۲ نشانگر ذهن‌خوانی پایین، نمره‌ی بین ۲۲-۳۰ نشانگر ذهن‌خوانی متوسط و نمره بالاتر از ۳۰ نشانگر ذهن‌خوانی بالا می‌باشد (بارون-کوهن و همکاران، ۲۰۰۸). وانگ<sup>۷</sup> و همکاران (۲۰۰۸) پایایی بازآمایی آن را (حدود دو

1 Basic Needs Satisfaction in General Scale<sup>1</sup>

2 Ryan & Deci

3 Cognitive Emotion Regulation Questionnaire

4 Ganefski & Kraaij

5 The Reading the Mind in the Eyes Test

6 Baron-Cohen

7 Wang

هفته) برابر با ۶۱/۰ گزارش کردند و روایی همگرای این آزمون را از طریق بررسی همبستگی آن با آزمون ادراک چهره اکمن (۵۱/۰=۱) مورد تایید قرار دادند. همچنین بخشی پور و همکاران (۱۳۹۰) همسانی درونی ابزار را به روش کودر - ریچاردسون ۶۹/۰ به دست آوردند. در پژوهش حاضر پایایی به روش کودر ریچاردسون برای این آزمون، ۷۳/۰ به دست آمد.

## یافته ها

از کل نمونه مورد بررسی، در گروه دانشجویان دارای تجربه طلاق والدین، مقطع تحصیلی ۷۰/۰ درصد کارشناسی، ۲۱/۷ درصد کارشناسی ارشد و ۸/۳ درصد دکتری بود. در گروه دانشجویان بدون تجربه طلاق والدین، مقطع تحصیلی ۶۳/۳ درصد کارشناسی، ۲۶/۷ درصد کارشناسی ارشد و ۱۰/۰ درصد دکتری بود. در گروه دانشجویان دارای تجربه طلاق والدین، ۶۸/۳ درصد مجرد و ۳۱/۷ متاهل بودند. در گروه دانشجویان بدون تجربه طلاق والدین، ۶۶/۷ درصد مجرد و ۳۳/۳ متاهل بودند. در گروه دانشجویان دارای تجربه طلاق والدین، میانگین سن برابر ۲۵/۰۸ سال و انحراف استاندارد ۵۵/۴ بود. در گروه دانشجویان بدون تجربه طلاق والدین، میانگین سن برابر ۲۵/۸۲ سال و انحراف استاندارد ۲۴/۴ بود.

**جدول ۱- جدول شاخص‌های توصیفی متغیرهای تحقیق به تفکیک دو گروه**

متغیرها	دارای تجربه طلاق والدین	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	حداقل	حداکثر
نیازهای روانشناختی	دارد	۸۹/۳۳	۱۷/۹۵	-۰/۳۱	۰/۹۰	۳۹	۱۳۴
	ندارد	۱۰۰/۲۲	۱۷/۱۲	۰/۰۵	-۰/۱۳	۵۳	۱۳۷
خودنمختاری	دارد	۲۹/۱۷	۶/۵۴	-۰/۴۱	۱/۰۱	۱۰	۴۵
	ندارد	۳۳/۵۳	۵/۱۰	-۰/۲۰	۱/۶۵	۱۶	۴۵
شاپیستگی	دارد	۲۵/۸۲	۵/۳۰	۰/۲۹	۰/۶۶	۱۴	۴۰
	ندارد	۲۸/۴۲	۶/۳۷	۰/۰۲	-۰/۷۲	۱۴	۴۲
ارتباط	دارد	۳۴/۳۵	۸/۲۹	-۰/۴۷	-۰/۲۳	۱۵	۵۰
	ندارد	۳۸/۲۷	۶/۸۳	-۰/۱۰	-۰/۵۵	۲۳	۵۳
نظریه ذهن	دارد	۱۸/۳۳	۵/۳۴	۰/۲۹	-۰/۱۵	۷	۳۱
	ندارد	۲۱/۳۸	۴/۰۸	۰/۰۳	۰/۱۲	۱۲	۳۱
راهبردهای مثبت	دارد	۳/۱۲	۰/۰۷	۰/۰۱	-۰/۱۹	۱/۴۰	۴/۷۰
	ندارد	۳/۶۲	۰/۰۷	-۰/۳۶	-۰/۰۳	۱/۷۰	۴/۸۰
راهبردهای منفی	دارد	۳/۲۱	۰/۰۷۵	۰/۰۶	-۰/۰۳۸	۱/۸۸	۵/۰۰
	ندارد	۲/۸۳	۰/۰۸۲	۰/۰۵	-۰/۰۸۴	۱/۳۸	۴/۳۸

برای متغیرهای تحقیق، میانگین، انحراف معیار، چولگی، کشیدگی، مینیمم و ماکزیمم محاسبه شده است. در گروه دانشجویان دارای تجربه طلاق والدین، میانگین نیازهای روانشناختی برابر ۸۹/۳۳ و در گروه دانشجویان عادی برابر ۱۰۰/۲۲ بود. در گروه دانشجویان دارای تجربه طلاق والدین، میانگین نظریه ذهن برابر ۱۸/۳۳ و در گروه دانشجویان عادی برابر ۲۱/۳۸ بود. در گروه دانشجویان دارای تجربه طلاق والدین، میانگین راهبردهای مثبت تنظیم هیجان برابر ۳/۱۲ و در گروه دانشجویان عادی برابر ۳/۶۲ بود و در گروه دانشجویان دارای تجربه طلاق والدین، میانگین راهبردهای منفی تنظیم هیجان برابر ۳/۲۱ و در گروه دانشجویان عادی برابر ۲/۸۳ بود.

مقایسه نیازهای روانشناختی، نظریه ذهن و مهارت‌های تنظیم هیجان در دانشجویان دختر دارای تجربه طلاق والدین با بدون تجربه طلاق والدین  
Comparison of psychological needs, mind theory and emotional regulation abilities between female students with parent's ...

جدول ۲- نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری برای مقایسه ترکیب خطی متغیرهای وابسته (ابعاد) در دو گروه دانشجویان دختر

نیازهای روانشناختی	گروه	مقدار معنی داری	درجه آزادی فرض	مقدار F	منبع تغییر	مدل
روانشناختی	گروه	۰/۸۷	۳	۵/۷۶۲	۱۱۶	۰/۰۰۱
مهارت‌های تنظیم هیجان	گروه	۰/۸۸۷	۲	۷/۴۷۸	۱۱۷	۰/۰۰۱

برای مقایسه نیازهای روانشناختی (دارای سه بعد) و مهارت‌های تنظیم هیجان (دارای دو بعد) دانشجویان دختر دارای تجربه و بدون تجربه طلاق والدین از تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA) استفاده شد. ابتدا پیش‌فرضهای تحلیل واریانس چند متغیره شامل فاصله‌ای بودن مقیاس اندازه‌گیری متغیرهای مقایسه‌ای، نرمال بودن توزیع متغیرهای وابسته (با آزمون کولموگروف- اسمیرنوف)، همبستگی متعارف متغیرهای وابسته (آزمون همبستگی پیرسون)، معنی دار بودن آزمون کرویت بارتلت، همگنی ماتریس واریانس-کواریانس متغیرهای وابسته در گروه‌ها (با آزمون M باکس) و همگنی خطای واریانس متغیرهای وابسته در گروه‌ها (با آزمون لوین) مورد بررسی و تایید قرار گرفت. برای مقایسه چندمتغیری از رویکرد لامبادی ویلکر استفاده شد. نتایج در جدول ۲ ارائه شده است. با توجه به کوچکتر بودن سطح معنی داری از  $0/05$  نتیجه گرفته می‌شود که در کل میزان ترکیب خطی ابعاد نیازهای روانشناختی و مهارت‌های تنظیم هیجان معنی داری وجود دارد در دو گروه دانشجویان دختر دارای تجربه و بدون تجربه طلاق والدین تفاوت معنی داری وجود دارد.

جدول ۳- نتایج تحلیل واریانس تک متغیری برای مقایسه متغیرهای ابعاد نیازهای روانشناختی و مهارت‌های تنظیم هیجان

نیازهای روانشناختی	گروه	مدل	منبع تغییر	متغیر وابسته	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F مقدار	سطح معنی داری	مجدور اتا
ارتباط	گروه	خودنمختاری			۵۷۲/۰۳۳	۱	۵۷۲/۰۳۳	۱۶/۶۴۵	۰/۰۰۱	۰/۱۲۴
					۲۰۲/۸	۱	۲۰۲/۸	۵/۹۰۶	۰/۰۱۷	۰/۰۴۸
	گروه	شايسٽگي			۴۶۰/۲۰۸	۱	۴۶۰/۲۰۸	۷/۹۷۵	۰/۰۰۶	۰/۰۶۳
					۷/۵	۱	۷/۵	۱۳/۸۴۲	۰/۰۰۱	۰/۱۰۵
رهبردهای منفی	گروه	رهبردهای مثبت			۴/۵۰۷	۱	۴/۵۰۷	۷/۳۵۱	۰/۰۰۸	۰/۰۵۹

نتایج مقایسه‌های تک متغیری در جدول ۳ ارائه شده است. با توجه به جدول ملاحظه می‌شود که بین بعد خودنمختاری، بعد شایستگی و بعد ارتباط نیازهای روانشناختی دانشجویان دختر دارای تجربه و بدون تجربه طلاق والدین تفاوت معنی داری وجود دارد ( $p < 0/05$ ). میزان بعد خودنمختاری در بین دانشجویان دختر دارای تجربه طلاق والدین ( $M = ۲۹/۱۷$ ) بطور معنی داری کمتر از دانشجویان دختر بدون تجربه طلاق والدین ( $M = ۳۳/۵۳$ ) است. میزان بعد شایستگی در بین دانشجویان دختر دارای تجربه طلاق والدین ( $M = ۲۸/۴۲$ ) بطور معنی داری کمتر از دانشجویان دختر بدون تجربه طلاق والدین ( $M = ۲۸/۴۲$ ) است. میزان بعد ارتباط در بین دانشجویان دختر دارای تجربه طلاق والدین ( $M = ۳۴/۳۵$ ) بطور معنی داری کمتر از دانشجویان دختر بدون تجربه طلاق والدین ( $M = ۳۸/۲۷$ ) است. همچنین بین راهبردهای مثبت و راهبردهای منفی تنظیم هیجان دانشجویان دختر دارای تجربه و بدون تجربه طلاق والدین تفاوت معنی داری وجود دارد ( $p < 0/05$ ). میزان راهبردهای مثبت تنظیم هیجان در بین دانشجویان دختر دارای تجربه طلاق والدین ( $M = ۳/۱۲$ ) بطور معنی داری کمتر از دانشجویان دختر بدون تجربه طلاق والدین ( $M = ۳/۶۲$ ) است و میزان راهبردهای منفی تنظیم هیجان در بین دانشجویان دختر دارای تجربه طلاق والدین ( $M = ۲/۸۳$ ) است.

جدول ۴- آزمون  $t$  مستقل برای مقایسه نظریه ذهن دانشجویان دختر دارای تجربه طلاق والدین و بدون تجربه طلاق والدین

متغیر وابسته	دارای تجربه طلاق والدین	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آزمون لوبن	آزمون $t$		
						سطح معنی داری	درجه آزادی	آماره $t$
نظریه ذهن	دارد	۶۰	۱۸/۳۳	۵/۳۴	۰/۰۰۱	-۳/۵۲	۱۱۸	۰/۰۵۲
ذهن	ندارد	۶۰	۲۱/۳۸	۴/۰۸				

برای مقایسه نظریه ذهن دانشجویان دختر دارای تجربه و بدون تجربه طلاق والدین از آزمون  $t$  مستقل استفاده شد. میانگین نظریه ذهن در دانشجویان دختر دارای تجربه طلاق والدین برابر ۱۸/۳۳ و در دانشجویان دختر بدون تجربه طلاق والدین برابر ۲۱/۳۸ و سطح معنی داری برابر ۰/۰۰۱ است. با توجه به سطح معنی داری آزمون  $t$  که کوچکتر از ۰/۰۵ است فرض صفر رد می شود. بنابراین میزان نظریه ذهن در بین دانشجویان دختر دارای تجربه طلاق والدین بطور معنی داری کمتر از دانشجویان دختر بدون تجربه طلاق والدین است.

## بحث و نتیجه گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر مقایسه نیازهای روانشناختی، نظریه ذهن و مهارت های تنظیم هیجان در دانشجویان دختر دارای تجربه طلاق والدین با دانشجویان دختر بدون تجربه طلاق والدین بود. نتیجه به دست آمده از تحلیل داده ها نشان داد که بین نیازهای روانشناختی دانشجویان دختر دارای تجربه و بدون تجربه طلاق والدین تفاوت وجود دارد و دانشجویان دختر دارای تجربه طلاق والدین در بعد از خود مختاری، شایستگی و ارتباط نسبت به دانشجویان بدون تجربه طلاق والدین ضعیف تر هستند. نتیجه به دست آمده با پژوهش عبدالفتح احمد و احمد السایس (۲۰۲۳)، گاریگا و پنونی (۲۰۲۲)، بیاض- اوژتورک (۲۰۲۲)، جاوریا و همکاران (۲۰۲۲)، تالیوس و همکاران (۲۰۲۱)، میرالز و همکاران (۲۰۲۱)، آورسپک و همکاران (۲۰۱۹)، امانی و همکاران (۱۳۹۸) همسو بود. در تبیین نتیجه به دست آمده می توان به نظریه خود تعیین گری استناد کرد. نظریه خود تعیین گری یک نظریه انگیزشی است که به نیازهای روانشناختی ارگانیسم به عنوان یک سازه روانشناختی مهم نگریسته است. بر اساس این نظریه، شخصیت فرد از تعاملات پیوسته میان گرایش ارگانیسمی وی به رشد روانشناختی و شرایط بافتی- اجتماعی که منجر به ارضای نیازها می شود، شکل می گیرد (شیخ الاسلامی و همکاران، ۱۳۹۸). با استناد به نظریه خود تعیین گری می توان گفت که ارضای نیازهای بنيادین روانشناختی تو سط عوامل اجتماعی کننده همچون والدین، افزایش انگیزش درونی و در پی آن درونی سازی بهینه ارزش های والدینی و خودآگاهی و تنظیم گری هیجان ها و در نهایت رفتارهای مطلوب اجتماعی را به دنبال دارد. عبارتی والدین در ارضای نیازهای روانشناختی، ایجاد انگیزه و تنظیم درونی سازی هیجان ها در فرزندان نقش دارند. اما در صورتی که روابط خانواده ای ضعیف باشد، احتمال بی ثباتی آن بالاتر خواهد بود و گرایش خانواده برای یافتن راه حل از طریق جنگ و نزاع بالاتر است. بنابراین غفلت از کودک و نیازهای او اتفاق خواهد افتاد و کودک نیز الگوی مناسبی از والدین به منظور خانواده و جایی والدین، به دلیل مشکلات مختلف خانواده عمده ای مورد غفلت قرار می گیرند و یا به فردی دیگر سپرده می شوند که در این صورت هم تنها به نیازهای غذایی و امنیتی کودک پاسخ داده خواهد شد و در نتیجه دیگر نیازهای روانشناختی او همچون خود مختاری، شایستگی و ارتباط نادیده گرفته خواهد شد یا مجال ارض اخواهند یافت.

در این راستا امانی و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهش خود نشان دادند که نامنی در تعاملات اجتماعی، مشکلات تحولی و رشدی، نشانگان افسردگی و مشکلات تحصیلی به عنوان پیامدهای طلاق والدین بر فرزندان است. گاریگا و پنونی (۲۰۲۲)، نیز به این نتیجه دست یافتند که طلاق والدین بر توانایی های شناختی و بهزیستی روان شناختی فرزندان تاثیر دارد. لذا فرزندانی که دارای تجربه طلاق والدین هستند و در خانواده جدا از هم و متلاشی بزرگ شده اند در تامین نیازهای روانشناختی دچار مشکلات و نارسانی هایی نسبت به فرزندانی که همراه با خانواده بزرگ شده اند و یا تجربه طلاق والدین را ندیده اند خواهند داشت.

مقایسه نیازهای روانشناختی، نظریه ذهن و مهارت‌های تنظیم هیجان در دانشجویان دختر دارای تجربه طلاق والدین با بدون تجربه طلاق والدین  
Comparison of psychological needs, mind theory and emotional regulation abilities between female students with parent's ...

یافته دیگر پژوهش نشان داد که بین نظریه ذهن دانشجویان دختر دارای تجربه طلاق والدین و بدون تجربه طلاق والدین تفاوت وجود دارد و دانشجویان دختر دارای تجربه طلاق والدین نسبت به دانشجویان دختر بدون تجربه طلاق والدین، در درک حالات ذهنی و ادراک دقیق و درست حالات دیگران ضعیفتر عمل می‌کنند که به کزفه‌می و فقدان ارتباط صمیمانه منجر می‌شود. نتیجه به دست آمده با پژوهش کازولین و همکاران (۲۰۲۰)، اوزتورک و همکاران (۲۰۲۰) همسو و با پژوهش هاشمی و همکاران (۱۳۹۵) ناهمسو بود. نظریه ذهن به توانایی کودکان برای نشان دادن و درک حالات دیگران مانند اهداف، عواطف و باورها اشاره دارد. به طور کلی افرادی که قادر به استفاده از نظریه ذهن هستند توانایی فکر و استدلال کردن درباره حالات روانی خود و دیگران را دارند (شاو و همکاران، ۲۰۱۷). بنابرین نظریه ذهن امکان تحلیل و پیش‌بینی موقوفیت در ارتباطات روزمره را فراهم می‌کند و شکل‌گیری جنبه‌های موقوفیت اجتماعی با رشد نظریه ذهن مرتبط است. کودکانی که پدیده‌های ذهنی متفاوت را بهتر درک می‌کنند، به احتمال زیاد به درک دیگر شرکای ارتباطی خود دست می‌یابند و می‌توانند به موقوفیت ارتباطی بیشتری دست یابند (النا و همکاران، ۲۰۱۶). بر اساس نتیجه به دست آمده از تحلیل فرضیه فوق این نتیجه حاصل شد که که بین نظریه ذهن دانشجویان دختر دارای تجربه طلاق والدین و عادی تفاوت وجود دارد.

به منظور تبیین نتیجه به دست آمده می‌توان به نظریه پیمانه‌ای استناد نمود. طبق این نظریه، کودکانی که تجربه گفت و گو و تعامل با اطرافیان خود از جمله والدین را دارند عملکرد بهتری بر اساس نظریه ذهن دارند، چرا که فرست بیشتری برای یادگیری درباره تفکر سایر افراد داشته‌اند و اصولاً ارتباطات و یادگیری اجتماعی می‌تواند منبع مهمی برای گسترش و تحول نظریه ذهن باشد. از طرف دیگر، رشد و بهبود عملکرد بر اساس نظریه ذهن می‌تواند پیامدهای با ارزشی به دنبال داشته باشد که از جمله آن‌ها می‌توان به رشد هیجانی و رفتارهای سازگارانه اشاره کرد. افرادی که طلاق والدین را تجربه کرده‌اند، پیش از وقوع طلاق، اختلاف و تنش را در فضای خانواده تجربه کرده‌اند. به همین دلیل می‌توان گفت بواسطه وجود خصوصت و تنش در خانواده امکان گفت و گو و برقراری ارتباط و یادگیری مثبت اجتماعی وجود نخواهد داشت و فرد فقط خصوصت و اضطراب ناشی از آن را تجربه خواهد کرد به همین دلیل امکان رشد و تحول نظریه ذهن برای فرد کم خواهد بود. در تبیین ناهمسوی نتیجه به دست آمده با پژوهش هاشمی و همکاران (۱۳۹۵)، می‌توان به تفاوت جنسیتی اشاره کرد. در پژوهش حاضر جامعه آماری را فقط دختران تشکیل دادند اما در پژوهش هاشمی و همکاران (۱۳۹۵)، هر دو جنس در پژوهش حضور داشتند.

درنهایت، آخرین یافته پژوهش نشان داد که بین مهارت‌های تنظیم هیجان دانشجویان دختر دارای تجربه طلاق والدین و بدون تجربه طلاق والدین تفاوت وجود دارد و دانشجویان دختر دارای تجربه طلاق والدین نسبت به دانشجویان دختر بدون تجربه طلاق والدین از راهبردهای تنظیم شناختی متفاوتی استفاده می‌کنند به عبارتی دانشجویان دختر دارای تجربه طلاق والدین نسبت به دانشجویان دختر بدون تجربه طلاق والدین، از راهبردهای منفی از جمله سرزنش خود و دیگران، نشخوار ذهنی و فاجعه‌آمیز پنداشی و از راهبردهای مثبت از جمله پذیرش، توجه مجدد مثبت و اتخاذ دیدگاه کمتر استفاده می‌کنند. نتیجه به دست آمده با پژوهش های پالی و هاچال (۲۰۲۲)، آری و شفر (۲۰۱۶) و زرعتکار و همکاران (۱۴۰۰) همسو بود. طبق دیدگاه گارنفسکی و همکاران (۲۰۰۶)، بین راهبردهای تنظیم هیجان و استرس اخیر (نظیر طلاق والدین) رابطه معناداری وجود دارد. طبق این دیدگاه افراد درگیر با تنش‌ها و مشکلات هیجانی و عاطفی، از راهبردهای تنظیم هیجانی نظیر فاجعه‌سازی و نشخوار فکری استفاده می‌کنند. در تبیین این چنین گفت که بنابراین افراد با سابقه طلاق والدین، به دلیل مشکلات خانوادگی که در روند طلاق و بعد از طلاق تجربه می‌کنند دچار مشکلات هیجانی و روان‌شناختی می‌شوند و در نتیجه طبیعی است که برای کنار آمدن با این حادثه از راهبردهای منفی که بیشتر جنبه‌ی تخریبی دارد استفاده کنند؛ به عبارتی به واسطه مشکلات هیجانی که فرزندان طلاق به آن دچار می‌شوند بیشتر احتمال دارد که راهبرهای منفی را به کار ببرند.

مهم‌ترین محدودیت این تحقیق نمونه‌گیری دردسترس است همچنین در این تحقیق فقط بر روی دانشجویان دختر کار شده است. بنابراین ممکن است در دانشجویان پسر نتایج متفاوتی به دست آید. در این تحقیق فقط تجربه طلاق لحظ شده و زمان وقوع طلاق در نظر گرفته نشده است. اینکه طلاق والدین در چه سنی اتفاق افتاده و فرآیند آن چگونه بوده و چه مدت از آن سپری شده است مورد توجه قرار نگرفته است. پیشنهاد می‌شود به منظور افزایش تعمیم پذیری یافته‌ها، پژوهش‌های مشابهی بر روی پسران و با درنظر گرفتن فرآیند طلاق از جمله زمان وقوع طلاق انجام شود. با توجه به یافته‌ها پیشنهاد می‌شود که ایجاد مراکز روان‌درمانی ویژه برای دانشجویان دارای تجربه طلاق والدین در دانشگاه و کمک به دانشجویان آسیب‌دیده می‌تواند در درمان نیازهای روانشناختی، نظریه ذهن و مهارت‌های تنظیم هیجان موثر باشد.

## منابع

- امانی، ز؛ زهراکار، ک؛ کیامنش، ع. (۱۳۹۸). شناسایی پیامدهای طلاق والدین بر فرزندان؛ مطالعه کیفی. *فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*. دوره ۱۴، شماره ۴۷. صص ۵۹-۸۱. <https://www.sid.ir/paper/262302/fa>
- بافنده فراملکی، ح؛ بخشی‌پور، ع؛ خانجانی، ز؛ رنجبر، ف؛ محمودعلیلو، م. (۱۳۹۰). بررسی نقص نظریه ذهن در اسکیزوفرنیک‌های دارای علایم مثبت و منفی و مقایسه آن با افراد سالم. *فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناسی*. سال ۶، شماره ۲۲. <https://www.sid.ir/paper/396146/fa>
- شارت، م؛ رنجبر کلاغری، ا. (۱۳۹۲). مقیاس ارضی نیازهای بنیادین روانشناسی. *نشریه علمی وزارت علوم*. سال ۴، شماره ۱۴. [https://jem.atu.ac.ir/article\\_90.html](https://jem.atu.ac.ir/article_90.html)
- جهفرزاده، د.؛ شریعتمدار، آ؛ قره داغی، ع. (۱۴۰۱). توصیف تجربه زیسته فرزندان والدین دچار طلاق عاطفی. *مجله پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*. ۱۰(۴)، ۱۱۷-۱۴۰.
- زراعتکار، م؛ سروانی، ش؛ زینلی پور، م؛ اربابی، ف. (۱۴۰۰). مقایسه مقبولیت اجتماعی، اختلالات سلوک و دشواری در تنظیم هیجان در کودکان طلاق، کودکان با مرگ والدین و کودکان عادی شهر قم در سال ۱۳۹۹: یک مطالعه توصیفی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان*. دوره ۲۰. صص ۹۹-۱۱۶.
- شیخ‌الاسلامی، ر؛ رضوی اصطهباناتی، ز؛ بیزدانی، ف. (۱۳۹۸). ویژگی‌های روانسنجی مقیاس ارضا و ناکامی نیازهای بنیادین روانشناسی. *مجله روانشناسی*. سال ۲۳، شماره ۱.
- قره داغی، ع؛ مبینی کشه، ف. (۱۳۹۹). مقایسه شفافیت خودپنداره، نقش جنسیتی و بلوغ عاطفی در فرزندان با و بدون تجربه طلاق والدین. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی*. ۱۱(۴۲)، ۲۳۱-۲۶۰.
- هاشمی، ف؛ امین یزدی، س؛ کارشکی، ح. (۱۳۹۵). نقش تئوری ذهن و همدلی در پیش‌بینی مشکلات رفتاری - هیجانی دانش آموزان خانواده‌های طلاق و عادی. *پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره*. دوره ۶، شماره ۱. ۴۳-۴۲. صص ۲. <https://www.sid.ir/paper/204941/fa>
- Abdelfatah Ahmed Zewiel, M., & Ahmed Elsayes, H. (2023). Association between Emotional Divorce, Mother's Psychological Hardiness and Child's Psychological Wellbeing. *International Egyptian Journal of Nursing Sciences and Research*, 3(2), 563-581. [https://ejnsr.journals.ekb.eg/article\\_278180.html](https://ejnsr.journals.ekb.eg/article_278180.html)
- Are, F., & Shaffer, A. (2016). Family emotion expressiveness mediates the relations between maternal emotion regulation and child emotion regulation. *Child Psychiatry & Human Development*, 47(5), 708-715. <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/26573929/>
- Auersperg, F.; Vlasak, T.; Ponocny, I.; Barth, A. (2019). Long-term effects of parental divorce on mental health – A meta-analysis. *Journal of Psychiatric Research*, Volume 119. pp. 107-115. <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/31622869/>
- Baron-Cohen, S., Wheelwright, S., Hill, J., Raste, Y., & Plumb, I. (2001). The “Reading the Mind in the Eyes” Test revised version: a study with normal adults, and adults with Asperger syndrome or high-functioning autism. *The Journal of Child Psychology and Psychiatry and Allied Disciplines*, 42(2), 241-251. <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/11280420/>
- Bayaz-Öztürk, G. (2022). Parental breakup and children's outcomes in the United States. *Family Relations*, 71(4), 1802-1816. <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1111/fare.12662>
- Csillag, B., Michelle, k., & Wanberg, C. (2023). After the breakup, How divorcing affects individuals at work, *Personal psychology* 76 (1), 77-112. <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/full/10.1111/peps.12547>
- Cuzzolin, F., Morelli, A., Cirstea, B., & Sahakian, B. J. (2020). Knowing me, knowing you: theory of mind in AI. *Psychological medicine*, 50(7), 1057-1061. <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/32375908/>
- Elena, A.; Sergienko, A.; Anna Y. (2016). The Theory of Mind as a mental mechanism of communicative success in preschool children. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, Volume 233. Pp. 8-12. <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S1877042816313489>
- Eyo, U. (2018). Divorce: Causes and effects on children, *Department of religion and cultural studies*, 2321-2799. <https://www.ajouronline.com/index.php/AJHSS/article/view/5315>
- Garnefski, N, Kraaij, V, (2006). Relationships between cognitive emotion regulation strategies and depressive symptoms: a comparative study of five specific samples. *Personality and individual Differences*, No:40, Pp:1659-1669. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0191886906000377>
- Garriga, A.; Pennoni, F. (2022). The Causal Effects of Parental Divorce and Parental Temporary Separation on Children's Cognitive Abilities and Psychological Well-being According to Parental Relationship Quality. *Social Indicators Research*, volume 161. Pp. 963–987. <https://link.springer.com/article/10.1007/s11205-020-02428-2>
- Herbst-Debby, A., Kaplan, A., Endeweld, M., & Achouche, N. (2023). Adolescent employment, family income and parental divorce. *Research in Social Stratification and Mobility*, 84, 100772. <https://cris.biu.ac.il/en/publications/adolescent-employment-family-income-and-parental-divorce>
- Istiani, N., Islamy, A., & Handayani, N. L. (2023). Single parent role in child psychological development. AN-NISA: *Jurnal Studi Gender dan Anak*, 13(1), 723-729. <https://jurnal.iain-bone.ac.id/index.php/annisa/article/view/3976>

مقایسه نیازهای روانشناختی، نظریه ذهن و مهارت‌های تنظیم هیجان در دانشجویان دختر دارای تجربه طلاق والدین با بدون تجربه طلاق والدین  
Comparison of psychological needs, mind theory and emotional regulation abilities between female students with parent's ...

- Juwariah, T., Suhariadi, F., Soedirham, O., Priyanto, A., Setiyorini, E., Siskaningrum, A., ... & Fernandes, A. D. C. (2022). Childhood adversities and mental health problems: a systematic review. *Journal of Public Health Research*, 11(3), 227-241. <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC9425896/>
- Martela, F., & Ryan, R. M. (2023). Clarifying Eudaimonia and Psychological Functioning to Complement Evaluative and Experiential Well-Being: Why Basic Psychological Needs Should Be Measured in National Accounts of Well-Being. *Perspectives on Psychological Science*. <https://journals.sagepub.com/doi/full/10.1177/17456916221141099>
- Miralles, P., Godoy, C., & Hidalgo, M. D. (2021). Long-term emotional consequences of parental alienation exposure in children of divorced parents: A systematic review. *Current Psychology*, 1-15. <https://link.springer.com/article/10.1007/s12144-021-02537-2>
- Öztürk, Y., Özyurt, G., Turan, S., Mutlu, C., Tufan, A. E., & Akay, A. P. (2020). Relationships between theory of mind (ToM) and attachment properties in adolescent with social anxiety disorder. *Archives of Neuropsychiatry*, 57(1), 65. <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC7024826/>
- Paley, B., & Hajal, N. J. (2022). Conceptualizing emotion regulation and coregulation as family-level phenomena. *Clinical Child and Family Psychology Review*, 25(1), 19-43. <https://link.springer.com/article/10.1007/s10567-022-00378-4>
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2000). The darker and brighter sides of human existence: Basic psychological needs as a unifying concept. *Psychological inquiry*, 11(4), 319-338. <https://psycnet.apa.org/record/2001-03012-013>
- Shaw, J. A.; Bryant, L. K.; Malle, B. F.; Povinelli, D. J.; Pruet, J. R. (2017). The relationship between joint attention and theory of mind in neurotypical adults. *Consciousness and cognition*, Volume 51. Pp. 268-278. <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S1053810016303920>
- Stoddard-Bennett, N. A., Coburn, J., Dufur, M. J., Jarvis, J. A., & Pribesh, S. L. (2023). Family Structure and Child Behavior Problems in Australia, the United Kingdom, and the United States. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 20(3), 1780. <https://www.mdpi.com/1660-4601/20/3/1780>
- Talley, A. E.; Kocum, L.; Schlegel, R. J.; Molix, L.; Bettencourt, A. (2012). Social roles, basic need satisfaction, and psychological health: the central role of competence. *Personality and Social Psychology Bulletin*, Volume 38, Issue 2. Pp. 155-173. <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC4756393/>
- Tullius, J. M., De Kroon, M. L., Almansa, J., & Reijneveld, S. A. (2022). Adolescents' mental health problems increase after parental divorce, not before, and persist until adulthood: a longitudinal TRAILS study. *European child & adolescent psychiatry*, 31(6), 969-978. <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/33566187/>
- Wang, Y., Wang, Y. G., Chen, S., Zhu, C., & Wang, K. (2008). Theory of mind disability in major depression with or without psychotic symptoms: A componential view. *Psychiatry Research*, 161(4): 153-161 <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/18926572/>